



## وصیت امام حسن عسکری علیه السلام به یارانش

پدیدآورده (ها) : حسینی، سید جواد

فقه و اصول :: مبلغان :: آبان و آذر 1396 - شماره 221

از 15 تا 20

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1368050>

دانلود شده توسط : مرکز مشاوره

تاریخ دانلود : 18/02/1398

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)



#### مقدمه

یکی از مجموعه گنجینه‌های بسیار مفید و گرانبها که می‌تواند در هدایت و ارشاد انسانها بسیار مفید و کارساز باشد، وصیتهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام است که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وصیتهای متعددی نسبت به امام علی علیه السلام، ابوذر و دیگر اصحاب نقل شده است. امام علی علیه السلام نیز نامه‌ها و وصیتهای متعددی دارند و همین طور دیگر امامان علیهم السلام. آنچه پیش رو دارید، یکی از وصیتهای مهم امام حسن عسکری علیه السلام به شیعیان و پیروان ایشان است. امید که همگان از آن بهره ببریم.

#### متن وصیت

امام حسن عسکری علیه السلام چند روز قبل از شهادت در مجلسی که چهل تن از دوستان و یاران ایشان، از جمله: محمد بن عثمان، معاویه بن حکم و محمد بن ایوب حضور داشتند، بعد از نشان دادن جمال زیبای حضرت مهدی علیه السلام چنین فرمود: او (اشاره به

حضرت مهدی علیه السلام) بعد از من صاحب و خلیفه شماست. او قائمی است که گردنها منتظرانه به سوی او کشیده می‌شود. هنگامی که زمین از ستم و ناروا پر شد، خروج می‌کند و زمین را از قسط و عدل سرشار می‌سازد. آنگاه حضرت به شیعیان وصیتی فرمود که در آن، مکارم اخلاق، تقوای الهی، مصالح عمومی، روابط حسنه با اهل سنت و راههای خودسازی مطرح گردیده است: «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ وَ الْإِحْتِهَادِ لِلَّهِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ ائْتَمَنَكُمْ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ وَ طُولِ السُّجُودِ وَ حُسْنِ الْجَوَارِ فَبِهَذَا جَاءَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله؛ شما را به تقوای الهی و ورع و دوری از حرام در دینتان، تلاش برای خدا، راستگویی در سخن گفتن، ادای امانت به کسی که به شما اعتماد کرده است؛ چه خوب باشد و چه بد، طولانی کردن

۱. تحف العقول، شیخ ابو محمد حرانی، ترجمه صادق حسن زاده، قم، انتشارات آل علی علیه السلام، اول، ۱۳۸۲، ص ۸۹۰

سجده‌ها [ی نماز] و حسن همسایه‌داری  
سفارش می‌کنم؛ چراکه حضرت محمد ﷺ  
این [رسالت] را آورده است.»

### اساسی‌ترین پایه‌های اجتماع

در جملات فوق به اصلی‌ترین پایه‌های  
یک اجتماع خوب و کامل اشاره شده است  
که عبارتند از:

۱. اجتماع، آرامش و زندگی مناسب  
نیاز دارد که در درون آن گناه وجود نداشته  
و «تقوا» بر آن حاکم باشد و از حرام خوری،  
اختلاس، رشوه خواری، ربا و... به دور بوده،  
«ورع» شیوه رفتاری مردم باشد؛

۲. تلاش برای خداوند برای اغراض  
دنیوی و زودگذر، عامل دیگری برای قوام  
اجتماع مناسب و نمونه است؛

۳. علامت دیگر برای اجتماع نمونه،  
راستگویی و پرهیز از دروغگویی است. اگر  
بازاریان، معلمین، شاگردان، مسئولان، کارگران،  
کارمندان و... از دروغ دوری کنند، آرامش  
روانی خاصی بر جامعه حاکم خواهد شد؛

۴. امانتداری، از دیگر پایه‌های اجتماع  
سالم و نمونه است. اگر در امانتهای مالی،  
اسراری، آبرویی و... خیانت نشود و امانات  
را به اهلش بسپارند، آن جامعه هم آرامش  
دارد و هم پیشرفت خواهد کرد؛

۵. در زندگی شهری، خصوصاً زندگی  
آپارتمانی، می‌طلبند که قوانین همسایه‌داری و  
مراعات حقوق یکدیگر در رأس امور قرار  
گیرد. حقیقتاً اگر حقوق همسایگان مراعات  
نشود، زندگی به جهنم تبدیل خواهد شد.

### رفتار نیکو با اهل سنت

در طول تاریخ تلاش استعمار بر این

بوده است که بین شیعه و سنی اختلاف و  
درگیری ایجاد کند و آنها را به جان هم بیندازد  
تا حکومت کند. این تلاش در زمان ما با  
ظهور وهابیت و گروه‌های تکفیری همچون  
طالبان، القاعده، داعش، النصره و... به اوج خود  
رسیده است. بر همگان لازم است که با حفظ  
اصول مذهب و تبیین منطقی پایه‌های مذهب  
خویش، وحدت بین مسلمین را که در واقع  
پای فشردن بر نقاط مشترک است، حفظ  
نموده و رابطه‌ای حسنه‌ای با هم داشته باشند.

حضرت عسکری (ع) به شیعیان سفارش  
فرموده است که: «صَلُّوا فِي عَشَائِرِهِمْ وَاشْهَدُوا  
جَنَائِزَهُمْ وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ وَأَدُّوا حُقُوقَهُمْ»<sup>۱</sup> بین  
عشایر آنان [اهل سنت] نماز بخوانید و در  
تشییع جنازه آنها شرکت کنید و بیماران آنان را  
عیادت و حقوق آنها را ادا کنید.» هرچند ظاهر  
عبارات فوق عام به نظر می‌رسد و شامل همه  
همسایگان و مسلمانان می‌شود؛ ولی با توجه  
به روایات دیگر اهل بیت (ع) با همین مضمون  
در مورد اهل سنت، مراد از جملات فوق،  
شرکت در مراسمهای اهل سنت می‌باشد.

حضرت صادق (ع) نیز شبیه همین  
سفارشات را فرموده است که: «صَلُّوا فِي  
عَشَائِرِهِمْ وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ  
وَأَدُّوا حُقُوقَهُمْ...»<sup>۲</sup>

### شادی اهل بیت (ع) از رفتار شیعیان

اگر شیعیان به دستورهای اجتماعی فوق  
که از زبان حضرت عسکری (ع) بیان شد و

۱. تحف، ص ۸۹۰

۲. منهاج الاخیار فی شرح الاستبصار، احمد علوی عاملی،  
قم، مؤسسه اسماعیلیان، اول، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۱۲۶.

مدارایی که نسبت به اهل سنت سفارش شده است، مقید و پایبند باشد، نه تنها ثواب دارد و باعث آرامش و امنیت در جامعه می شود؛ بلکه باعث خوشحالی و شادی اهل بیت نیز می شود. لذا حضرت عسکری علیه السلام می فرمایند: «فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَصَدَّقَ فِي حَدِيثِهِ وَأَدَّى الْأَمَانَةَ وَحَسَّنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ هَذَا شِيعِيٌّ فَيَسُرُّنِي ذَلِكَ؛ اگر یک نفر از ما در دین خود پرهیزگار و سخنش راست باشد و به امانت خیانت نکند و اخلاقش با مردم نیکو باشد، (مردم) می گویند که این شخص شیعه است پس این سخن مرا خوشحال می کند.»

حضرت صادق علیه السلام نیز شبیه این جملات را دارد. آنجا که می فرمایند: «قِيلَ هَذَا جَعْفَرِيٌّ فَيَسُرُّنِي ذَلِكَ وَيَدْخُلُ عَلَيَّ مِنْهُ السُّرُورُ وَ قِيلَ هَذَا أَدَبٌ جَعْفَرِيٌّ وَإِذَا كَانَ عَلَى غَيْرِ ذَلِكَ دَخَلَ عَلَيَّ بَلَاؤُهُ وَ عَارُهُ وَ قِيلَ هَذَا أَدَبٌ جَعْفَرِيٌّ؛ گفته می شود این جعفری است پس من خوشحال و از این رفتار شادمان می شوم. گفته می شود این است اثر تربیت جعفر (حضرت صادق علیه السلام)؛ ولی اگر برخلاف این دستورات رفتار شود، ننگ و عارش بر من وارد شده، گفته می شود: این هم تربیت جعفر علیه السلام.»

### مایه زینت یا ملامت

امام حسن عسکری علیه السلام در ادامه سفارشات خود می فرمایند: «اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا زَيْنًا وَلَا تَكُونُوا شَيْنًا جُرُوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ فَإِنَّهُ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ حُسْنٍ فَتَحْنُ أَهْلَهُ وَ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ سُوءٍ فَمَا تَحْنُ كَذَلِكَ لَنَا حَقٌّ فِي

كِتَابِ اللَّهِ وَ قَرَابَةٍ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ وَ تَطْهِيرٍ مِنَ اللَّهِ لَا يَدْعِيهِ أَحَدٌ غَيْرُنَا إِلَّا كَذَابٌ؛<sup>۲</sup> از خدا بترسید و زینت ما (اهل بیت) باشید و دوستی را برای ما بیاورید (و زمینه محبت مسلمانان را نسبت به ما فراهم کنید) و هر زشتی را (با رفتار و گفتار نیک) از ما دور کنید. هر چیز خوبی که درباره ما گفته شود، درست است؛ ولی چیزهای بدی که درباره ما گفته می شود، ما اهل آن نیستیم. در کتاب خداوند حقی برای ما (به گردن مردم) وجود دارد (مانند اطاعت و دوستی ما) و خویشاوند (و فرزندان) رسول خدا صلی الله علیه و آله و خداوند ما را (در آیه تطهیر) پاک شمرده است و هیچ کسی غیر از ما نمی تواند ادعای چنین مقامی را نماید، مگر کذاب.»

در این فقرات نیز چند دستور اخلاقی بسیار مهم به شیعیان داده شده است:

۱. اینکه با رفتار و گفتار خویش زینت اهل بیت علیهم السلام باشند و باعث جلب و جذب مسلمانان به ایشان شوند و کاری نکنند که مردم آنها را به عنوان شیعه بد رفتار و بد گفتار سرزنش و ملامت نمایند. شعرانی، از فرزندان شقران، غلام رسول خدا صلی الله علیه و آله می گوید: در زمان منصور به خانه منصور رفته بودم تا به من کمک کند که دیدم جعفر بن محمد علیه السلام خارج شد. خدمت حضرت نیازم را عرض کردم، حضرت دوباره نزد منصور برگشت و مبلغی کمک از او برایم گرفت و آن را پنهانی داخل آستینم قرار داد، آنگاه فرمود: «إِنَّ الْحَسَنَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ وَإِنَّهُ مِنْكَ أَحْسَنُ لِمَكَانِكَ مِنَّا وَإِنَّ الْقَبِيحَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ

۲. تحف العقول، ص ۸۹۰.

۱. مناهج الاخيار، همان، ج ۲، ص ۱۲۶.

قَبِيحٌ وَإِنَّهُ مِنْكَ أَقْبَحُ لِمَكَانِكَ مِنَّا<sup>۱</sup> کار نیک از هر کسی خوب است؛ ولی از شما به جهت نسبتی که به ما داری (و شیعه ما هستی) بهتر است. و هر زشتی‌ای زشت؛ ولی از تو زشت‌تر؛ چون تو با ما نسبت داری.»

شیخ ابراهیم زکراکی، یک دانشجوی سنی اهل نیجریه بود که با دیدن امام خمینی علیه السلام عاشق ایشان و شیعه شد، سپس آستین همت را بالا زد تا خوبیهای تشیع را به مردم نشان دهد و محاسن کلام اهل بیت علیهم السلام را به جهانیان معرفی نماید. یکی از کارهای نیک او این بود که در ایام عاشورا به جای قمه‌زنی، دستور می‌داد شیعیان برای بیماران خون اهدا کنند و در اختیار بیماران دیگر؛ اعم از مسیحی، اهل سنت و... قرار دهند؛ خون شیعیان دو ویژگی داشت: یکی اینکه مجانی بود، دوم اینکه خونهای شیعیان به دور از هرگونه آلودگی و ناپاکی بود و همین امر باعث جذب دیگران به سمت تشیع شد و توانست ظرف حدود سی سال، بیش از ۱۵ میلیون انسان را به تشیع دعوت کند و باعث افتخار اهل بیت علیهم السلام و شیعیان گردد، به گونه‌ای که وهابیت احساس خطر کرد و برای جلوگیری از گسترش تشیع به حسینیه صاحب الزمان علیه السلام حمله کردند و صدها نفر از شیعیان را به شهادت رساندند.<sup>۲</sup>

۲. اهل بیت علیهم السلام دارای چند ویژگی هستند که قرآن نیز به آن اشاره فرموده است: یکی حق اطاعت است که بر همگان

واجب گشته از آنان اطاعت نماید، چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ «ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و [نیز] از پیامبر و صاحبان امر خودتان [که امامان از اهل بیت‌اند و چون پیامبر صلی الله علیه و آله دارای مقام عصمت می‌باشند نیز] اطاعت کنید.»

دوم، حق دوستی و مودت است که خداوند واجب فرموده: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛ «بگو از شما [در برابر رسالت] هیچ پاداشی نمی‌خواهم، جز مودت و دوستی نزدیکانم را [که بنا بر روایات بسیار، اهل بیت علیهم السلام هستند].»

سوم، عصمت اهل بیت علیهم السلام است که در آیات متعددی، از جمله آیه تطهیر<sup>۳</sup> به آن اشاره شده است که به روایت شیعه و سنی، حضرت محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام هستند.

### چند دستور برای خودسازی

امام حسن عسکری علیه السلام در ادامه وصیت خویش چند دستور اخلاقی مهم که در سازندگی فردی شیعیان مؤثر است، بیان می‌فرماید: «أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ وَذِكْرَ الْمَوْتِ وَتِلَاوَةَ الْقُرْآنِ وَالصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ اخْفَظُوا مَا وَصَّيْتُكُمْ بِهِ وَاسْتَوْدِعُوا اللَّهَ وَأَقْرَأُوا عَلَيْكُمُ السَّلَامَ»؛ خدا را بسیار یاد کنید و مرگ را نیز فراوان یاد نمایید و قرآن را بسیار تلاوت کنید و

۳. نساء / ۵۹.

۴. شوری / ۲۳.

۵. احزاب / ۳۳.

۶. تحف العقول، ص ۸۹۰.

۱. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، قم، علامه، اول، ۳۷۹ق؛ بحار، ج ۴، ص ۳۵۰.

۲. شیخ ابراهیم زکراکی - Ayannews.com/fa/tag1

صلوات بر پیامبر ﷺ بفرستید؛ زیرا صلوات دو حسنه دارد و آنچه را به شما سفارش کرده، در حفظ آن بکوشید. شما را به خدا می سپارم و بر شما درود می فرستم.»

در فقرات فوق به چند امر درباره خودسازی سفارش شده است:

### ۱. یاد مرگ

یاد مرگ آثار گرانمایی در سازندگی انسان دارد که فقط به یک حدیث از حضرت صادق (ع) اشاره می شود که می فرماید: «ذُكِرَ الْمَوْتُ يُمِيتُ الشَّهَوَاتِ فِي النَّفْسِ وَيَقْلَعُ مَنَابِتِ الْغَفْلَةِ وَيَقْوِي الْقُلُوبَ بِمَوَاعِدِ اللَّهِ وَيَرْقُ الطَّبَعُ وَ يَكْسِرُ أَعْلَامَ الْهَوَى وَيُطْفِئُ نَارَ الْحِرْصِ وَيُحَقِّقُ الدُّنْيَا»<sup>۱</sup> یاد مرگ شهوات نفسانی را می میراند و ریشه غفلت و کم توجهی را می خشکاند، و قلب انسان را نسبت به وعده های الهی (خصوصاً قیامت) محکم می کند و باعث رقت قلب (و روان شدن اشک) می گردد و پرچمهای هواپرستی را در هم می شکند و آتش (شعله ور) حرص و آز را خاموش می کند و دنیا را در دید انسان پست و کم اهمیت جلوه می دهد.» به راستی اگر برای یاد مرگ جز آثار فوق نبود، جا داشت که انسان هرگز آن را در زندگی فراموش نکند.

### ۲. تلاوت قرآن

تلاوت؛ یعنی خواندن، تدبر و عمل به قرآن نیز در سازندگی، پیشرفت و آرامش انسان نقش مهم و تعیین کننده ای دارد. رسول خدا ﷺ می فرماید: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَصْدَأُ كَمَا يَصْدَأُ الْحَدِيدُ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَمَا جَلَاؤُهَا؟ قَالَ:

تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ»<sup>۲</sup> به راستی که این دلها، همچون آهن زنگار می گیرند. عرض شد: عامل جلای دلها چیست؟ فرمود: خواندن قرآن.

و در جای دیگر فرمود: «يَا بُنَيَّ لَا تَغْفُلْ عَن قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ فَإِنَّ الْقُرْآنَ يُحْيِي الْقَلْبَ الْمَيِّتَ وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالتَّبَغْيِ»<sup>۳</sup> ای پسر! از خواندن قرآن غافل مشو؛ زیرا خواندن قرآن دلها را زنده می کند و از بدیها و ستم دور می سازد.

### ۳. صلوات بر محمد و آل محمد ﷺ

ذکر دیگری که در سازندگی انسان و افزوده شدن حسنات او اثر شگفت انگیزی دارد، صلوات بر محمد و آل محمد ﷺ است. امام علی (ع) می فرماید: «كُلُّ دُعَاءٍ مَّحْجُوبٍ حَتَّى يُصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»<sup>۴</sup> هر دعایی در پرده است (و اجابت نمی شود)، مگر وقتی که صلوات بر نبی ﷺ و آلش ﷺ فرستاده شود.

حضرت صادق (ع) می فرماید: «أَثْقَلَ مَا يُوضَعُ فِي الْمِيزَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ»<sup>۵</sup> سنگین ترین چیز در ترازوی اعمال انسان در روز قیامت، صلوات بر محمد و آل محمد ﷺ است.

و در پایان حضرت تأکید می فرماید که شیعیان این وصیت نامه را حفظ کنند و بدان عمل نمایند.

### حسن ختام

یکی از کرامات حضرت عسکری (ع) که کم تر مطرح شده، سفر آن حضرت به

۱. بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۳۲، ح ۳۲.

۲. کنز العمال، متقی هندی، بیروت، مكتبة التراث الاسلامی، اول، ۱۳۹۷ق، ج ۱، ص ۵۴۵، ح ۲۴۴۱.  
۳. همان، ج ۲، ص ۲۰۰، ح ۴۰۳۲.  
۴. کنز العمال، ج ۱، ص ۲۵۲، ش ۲۱۵۳.  
۵. بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۴۹، ح ۹.

جرجان (گرگان) است. جعفر بن شریف می‌گوید: سالی قصد تشرف به حج را داشتم. قبل از حج به زیارت حضرت عسکری علیه السلام در سامرا شتافتم. اموالی از شیعیان همراهم بود که باید به حضرت می‌رساندم. خواستم از آن حضرت بپرسم که اموال را به چه کسی بدهم؛ ولی قبل از آنکه من بپرسم، حضرت فرمودند: «به مبارک خادم بده!» عرض کردم: همین کار را کرده‌ام. سپس لحظه خارج شدن عرض کردم: شیعیان شما در جرجان به شما سلام می‌رسانند. امام علیه السلام فرمود: مگر بعد از مراسم حج به جرجان بر نمی‌گردی؟ عرض کردم: بر می‌گردم. فرمود: ۱۷۰ روز دیگر، ابتدای روز جمعه، سوم ربیع الثانی به جرجان وارد می‌شوی. آن وقت به مردم اعلان کن که من در آخر همان روز به جرجان می‌آیم. برو به سلامت! خداوند متعال تو و آنچه را با توست، به سلامت به اهل و اولادت خواهد رساند. پسری برای پسر متولد شده است. نام او را «صلت» بگذار که خداوند به زودی او را به حد کمال می‌رساند و او از اولیای ما خواهد بود. عرض کردم: یابن رسول الله! ابراهیم بن اسماعیل جرجانی از شیعیان شماست و به دوستان شما هر سال بیش از صد هزار درهم احسان می‌کند، و در جرجان از اشخاصی است که متنعم به نعمتهای الهی است. امام علیه السلام فرمودند: خداوند به ابواسحاق ابراهیم بن اسماعیل در مقابل احسانی که به شیعیان ما می‌کند، جزای خیر بدهد و گناهان او را بیامرزد و او را پسری صحیح الاعضاء روزی فرماید که قائل به حق ما [و شیعه]

باشد. به ابراهیم بگو: حسن بن علی علیه السلام می‌گوید: نام پسر خود را احمد بگذار. وی می‌گوید: از خدمت حضرت مرخص شدم و حج رفتم و بازگشتم و در روزی که حضرت معین فرموده بودند، به سلامت وارد جرجان شدم. هنگامی که اصحاب ما برای تهنیت آمدند، به ایشان گفتم: امام علیه السلام مرا وعده دادند که در آخر امروز به اینجا تشریف می‌آورند. ناگاه امام عسکری علیه السلام در همان ساعتی که فرموده بودند، وارد شدند. هنگام ورود بر ما سلام کردند و ما به استقبال ایشان شتافتم و دست آن حضرت را بوسیدیم. آنگاه حضرت فرمودند: من به جعفر بن شریف وعده کرده بودم که در آخر این روز نزد شما بیایم. نماز ظهر و عصر را در سامرا به جا آوردم و نزد شما آمدم تا با شما تجدید عهد کنم. اکنون شما حوایج و مسائل خود را مطرح کنید.

اول کسی که ابتدا به سؤال کرد «نضر بن جابر» بود. او عرض کرد: یابن رسول الله! پسر من از هر دو چشم نابیناست، دعا فرمایید تا خداوند دیده‌هایش را به او برگرداند. حضرت فرمودند: او را حاضر کن. او را حاضر کرد و حضرت دست مبارک بر چشمانش گذارد، روشن شد. پس از او یک یک آمدند و حاجت خود را بیان کردند و حضرت حاجتهای آنان را برآورد «حَتَّى قَضَى حَوَائِجَ الْجَمِيعِ؛ تا اینکه حوایج همه را برآوردند» و مسائل آنها را جواب فرموده، همان روز به سامرا مراجعت نمودند.<sup>۱</sup>

۱. بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۶۲ - ۲۶۴، ح ۲۲.